

# سیاه و سفید

از یک‌سو، صحبت از یک قرارداد ربع قرن با چینی‌هاست که در فضاهای سیاسی، واکنش‌های متفاوتی را برانگیخت، از سوی دیگر، وقتی وارد حلقه‌های مختلف تجارت با چین می‌شویم، به محدودیت‌های جدیدی می‌رسیم که همان‌طور که خود شما هم در جریان هستید، مشکلات مرتبط با تخلیه و بارگیری کالاهای ایرانی در بنادر چین و به مشکل برخوردن برخی از محموله‌های صادراتی ایران به این کشور است. این دوگانه را در روابط ایران و چین چطور می‌توان تحلیل کرد؟

اگر بخواهیم در این رابطه تحلیلی داشته باشیم، باید کار را در دو بخش پیش ببریم. به نحوی که یک بخش در دل خود روابط ایران و چین را دارد که بر اساس آن باید گفت اقتصاد ایران و چین دو اقتصاد مکمل یکدیگر به‌شمار می‌روند؛ به این معنا که آنچه ایران در دنیا فروشنده آن است، چینی‌ها بهترین و بزرگ‌ترین خریدار آن کالاها هستند و در مقابل، چینی‌ها بزرگ‌ترین عرضه‌کننده آن دسته از کالاهایی هستند که ایران به شدت به آنها نیاز دارد. پس این دو اقتصاد، قفل و بستشان با یکدیگر یکسان بوده و همخوانی دارد.

نکته بعدی آن است که در خلیج فارس، عربستان سعودی شریک اول، امارات متحده عربی شریک دوم و ایران شریک سوم چین در سال ۲۰۱۹ میلادی است که نشان می‌دهد گرایش‌های سیاسی، خیلی تأثیری در چپش و نوع روابط تجاری چین با دنیا ندارد؛ ضمن اینکه کشوری همچون عربستان سعودی در اردوگاه آمریکا به عنوان یکی از کشورهای قرار گرفته که چین اکنون به شدت به لحاظ سیاسی و اقتصادی با آن دچار تضاد شده است.

پس نوع نگاه سیاسی نیست و این دو کشور با هم شرکای پایدار تجاری و بلندمدت هستند؛ از سوی دیگر چین شریک اول تجاری ۱۳۰ کشور در دنیاست؛ ضمن اینکه برعکس این موضوع هم هست؛ یعنی اگر فقط گرایش‌های سیاسی و نگاه به شرق ملاک قضاوت در روابط تجاری ایران باشد، حتماً به این نکته می‌رسیدیم که روسیه به لحاظ سیاسی شریک اول ایران در منطقه است و با دولت ایران متحدتر بوده و منافع منطقه‌ای، نظامی و امنیتی بیشتری

اشاره:

«ما فکر کنیم چین یک جزیره‌ای در دنیاست که فقط با ایران در ارتباط است و اثرات رفتاری که سایر کشورهای دنیا با ایران دارند، بر روی چین نمایان نمی‌شود. سخت در اشتباه هستیم. چین بزرگ‌ترین تاجر دنیاست و تعاملات آن در دنیا چند هزار میلیارد دلار است در نتیجه به جای اینکه با کشوری مثل ما کار کنند که آمریکا و اروپا برای آن محدودیت‌هایی قائل شده‌اند، سراغ کشورهای دیگر می‌روند.

در شرکت‌های چینی، امکان تبادل با ریال وجود ندارد و اگر شرکت‌های بزرگ درجه یکی که با ما کار می‌کنند، بخواهند بدون توجه به تحریم حرکت کنند، حتماً دچار مشکل می‌شوند. پس از ارتباط مستقیم پرهیز می‌کنند.»

مجیدرضا حریری رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین با بیان این جملات تأکید دارد که عوامل دیگری هم در این زمینه اثر دارد که باعث ایجاد مانع بین تجارت ایران و چین شده است. به عقیده او تعلق در تخلیه کالاهای صادراتی ایرانی بهانه‌ای است که ایرانی‌ها به دست چین داده‌اند.



دارد؛ اما در کمال تعجب مشاهده می‌شود که ایران هیچ‌گاه یک رابطه اقتصادی درازمدت و منسجم با کشور روسیه نداشته است و روابط تجاری ایران کمتر از ۸/۲ میلیارد دلار بوده است و به‌طور متوسط معدل زیر دو میلیارد دلار در روابط تجاری دو کشور رقم خورده است، پس نگاه سیاسی نمی‌تواند یک نگاه اقتصادی پایدار را شکل دهد، بلکه حتماً نگاه اقتصادی به روابط تجاری دو کشور از قواعد خاص خود پیروی می‌کند. اینکه ما و چین با هم رابطه بلندمدت اقتصادی داشته باشیم، حتماً یکی از روابط پرطرفیت ایران با کشورهای دنیاست.

#### ه قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین هم در این فضا ترسیم می‌شود؟

واقعیت آن است که این قرارداد، واقعاً قرارداد نیست. اسم کامل این موضوع برنامه جامع همکاری‌های ۲۵ ساله ایران و چین است که از سوی ایران پیشنهاد می‌شود و چینی‌ها این پیشنهاد را ارائه نکرده‌اند؛ اما کلیت آن به بحثی برمی‌گردد که ایران در چهار دهه گذشته تلاش کرده تا روابط تجاری کمتر از یک میلیارد دلار خود را با این کشور افزایش دهد. یعنی بعد از جنگ تا سال ۲۰۱۴ میلادی که نفت در اوج قیمت خود قرار داشت و رابطه تجاری ایران و چین به بالغ بر ۵۰ میلیارد دلار رسید، همواره این نگاه در توسعه روابط تجاری میان دو کشور مطرح بوده است.

بعد از آن نیز با وجود اینکه این روابط کم شده است، اما قدر نسبی چین در روابط تجاری ایران در دهه‌های گذشته، ۲۵ درصد بوده که سهم ۲۵ درصدی را در تجارت فرامرزی اعم از صادرات و واردات نفتی و غیرنفتی به خود اختصاص داده است. اما در تمام این ایام، سرنخ این رابطه تجاری همواره در دست چینی‌ها بوده و آنها نیز برای هر یک دلار معامله‌ای که قصد داشتند با ایران صورت

دهند، حتماً با برنامه حرکت می‌کردند و ما مثل سایر بخش‌ها همواره بدون برنامه حرکت کرده‌ایم، یعنی طی این چهار دهه، روابط تجاری خود را با چین به نحوی پیش برده‌ایم که اگر یک کالا را از منابع اروپایی نمی‌توانستیم تامین کنیم، آنگاه به سراغ شرکت‌های چینی می‌رفتیم. سیاست همواره جایگزینی با اروپایی‌ها بوده و ما هیچ برنامه‌ای برای روابط تجاری خود با چینی‌ها نداشته‌ایم.

شاید تنها جایی که ما اندکی با برنامه حرکت کرده و در روابط تجاری خود با چین مطابق با آن پیش رفته‌ایم و بر اساس واقعیت‌های موجود پیش رفته بخش فروش نفت بوده که همواره چین یکی از خریداران اصلی نفت ایران بوده است؛ پس شاید اصلاً این را هم نباید با عنوان برنامه برای تجارت با چین مطرح کرد، بلکه بخشی از آن سر اجبار بوده است؛ چراکه اگر برنامه ما افزایش فروش نفت به چین بود، تا سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ ما ۱۰ درصد از سهم انرژی مصرفی چین را تامین می‌کردیم و ۲۰ درصد از انرژی وارداتی این کشور نیز از سوی ایرانی‌ها تامین می‌شد؛ اما درست در حالی که چین سال به سال سهم خود را از میزان انرژی در اختیار دنیا بالاتر برده و از دنیا انرژی بیشتری خریداری کرده است، به همان نسبت سهم ایران در تامین این نیاز کوچک و کوچک‌تر شده است.

به این معنا که چین به چند برابر واردات انرژی سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ رسیده؛ در حالی که نقش ایران از ۱۰ درصد تامین انرژی چین روزبه‌روز کمتر شده است و ما نتوانسته‌ایم در بازاری که تامین‌کننده ۲۰ درصد از نیاز وارداتی انرژی آن بودیم، ماندگار باشیم و سهم خود را اگر هم افزایش نداده‌ایم، حداقل اجازه کاهش آن را هم ندهیم. این بی‌برنامگی از جانب ما بوده است. یا در حوزه خودرو، اگرچه بسیاری از شرکت‌های چینی و ۱۷ برند خودرو

این کشور به ایران آمده‌اند، متوسط زمان همکاری با اقتصاد ایران از سوی آنها به جز در کرمان، به دو سال هم نرسیده است. یعنی ما متوجه نشده‌ایم که این خودروسازان چطور به بازار ایران وارد شده و چطور از آن خارج شده‌اند. این بی‌برنامگی ما بوده است؛ در غیر این صورت، شرکتی که در این شرایط به بازار ایران وارد شده، حتماً دارای برنامه برای فروش و بازاریابی خود بوده است. پس ما نتوانسته‌ایم پارت‌تر خوبی برای خودروسازان چینی باشیم.

در سایر حوزه‌ها نیز کار به همین شکل پیش رفته است؛ در حالی که زمانی یکی از اولین پروژه‌های خارج از مرزهای چینی، در ایران اجرایی می‌شد. تمام اینها در شرایطی است که اگر ما در روابط خود با شرکت‌های بزرگ چینی برنامه داشتیم، حتماً الان باید این برنامه‌ها روزبه‌روز گسترش می‌یافت نه اینکه امروز به صفر برسد یا شرکت هوآوی که در دنیا بزرگ‌ترین شرکت مخابراتی چین است و در دعوای با آمریکا نیز قرار گرفته است، اولین شرکتی بود که به عنوان یکی از اولین بازارهای کاری خود وارد ایران شد. ۲۰ سال است که اتفاق بازرگانی ایران و چین تشکیل شده و از اول حرف آن با دولت این بوده است که یک برنامه از سوی دولت برای رابطه با چین داشته باشیم؛ اما هیچ‌گاه یک برنامه ارائه نشده بود تا اینکه رئیس‌جمهور چین به ایران سفر کرد و قرار بر این شد که یک بیانیه جامع همکاری‌های مشترک میان ایران و چین در آن سفر صادر شود که این موضوع عملیاتی شد و حتی رئیس‌جمهور چین، رئیس‌جمهور ایران و مقام معظم رهبری تاکید کردند که باید کار بلندمدت با چینی‌ها صورت گیرد.

بعد از آن اما برجام عملیاتی شد و ما دوباره عاشق اروپایی‌ها و غربی‌ها شدیم. بر این اساس لزوم این برنامه حس می‌شد و بعد

اثرات رفتاری که سایر کشورهای دنیا با ایران دارند، بر روی چین نمایان نمی‌شود، سخت در اشتباه هستیم.

چین بزرگ‌ترین تاجر دنیاست و تعاملات آن در دنیا چند هزار میلیارد دلاری است در نتیجه به جای اینکه با کشوری مثل ما کار کنند که آمریکا و اروپا برای آن محدودیت‌هایی قائل شده‌اند، سراغ کشورهای دیگر می‌روند. در شرکت‌های چینی، امکان تبادل با ریال وجود ندارد و اگر شرکت‌های بزرگ درجه یکی که با ما کار می‌کنند، بخواهند بدون توجه به تحریم حرکت کنند، حتماً دچار مشکل می‌شوند. پس از ارتباط مستقیم پرهیز می‌کنند؛ در این میان برخی از شرکت‌های خارجی این تصور را دارند که ممکن است برای معاملات با ایران دچار تحریم شوند؛ این در حالی است که آنها مشتریان آمریکایی دارند و تحریم‌ها نیز هوشمند هستند و ممکن است چین را دچار مشکل کند.

خیلی از شرکت‌های چینی نیز هستند که چندملیتی هستند و آمریکا در آنها سهامدار است یا سهام آنها را از بورس خریداری کرده‌اند. صحبت در مورد سرمایه‌گذاری سالانه چند ده میلیارد دلاری آمریکایی‌ها در چین است، بنابراین اگر شرکتی با ایران کار کند، در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار می‌گیرد

در حالی که این سند قرار بود اقتصادی باشد نه اینکه وارد فضای سیاسی شود؛ این در حالی است که برای دو کشور منافع مشترک بسیاری در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی فراهم است و باید وجه اقتصادی را تحلیل کرد. ما برای برقراری رابطه با کشوری که یک دهه است بزرگ‌ترین شریک اول جمهوری اسلامی ایران است و یک‌چهارم از تجارت خارجی ایران را به خود اختصاص می‌دهد، نیاز به برنامه داریم و اگر برنامه ارائه ندهیم ظرفیت‌ها مغفول می‌ماند. اصولاً اقتصاد ما با هر کشوری که پیشرفته اقتصادی است، تفاهم‌نامه‌های بلندمدت داشته باشد، ۸۰ تا ۹۰ درصد آورده ما در حوزه نوآوری و سایر بخش‌هاست. ما مزیت‌هایی همچون نیروهای جوان و تحصیل کرده داریم.

در این میان تخلیه و بارگیری در بنادر چین نیز خبرساز شده است. به هر حال سوال است که چرا همزمان با مطرح شدن موضوع همکاری ۲۵ ساله ایران و چین، این مشکلات پیش‌روی تاجر و بازرگانان ایرانی در چین قرار گرفته است. آیا استانداردهای زیست‌محیطی مانع شده یا خود ما دست چینی‌ها بهانه داده‌ایم؟

اینکه ما فکر کنیم چین یک جزیره‌ای در دنیاست که فقط با ایران در ارتباط است و

از اینکه آمریکا از برجام خارج شد و اروپایی‌ها نیز توانایی ماندگاری در ایران و کار مشترک با بخش‌های مختلف اقتصادی ایران را نداشتند، مجدد موضوع همکاری‌های تجاری و اقتصادی با چین مطرح شد.

بخشی از این فشارهایی که باعث شکل‌گیری روابط تجاری دوباره با چین شد، از سوی اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین صورت گرفت و بخش‌های مختلف حاکمیت، نه فقط دولت، این تصمیم را گرفتند که باید برنامه‌ها و پیشنهادهای بلندمدت با چین داشته و از مزایای آن بهره‌مند شویم. این چیزی است که سوژه بحث‌های سیاسی کشور در روزهای جاری شده است. در این میان کسی به این سند نگاه دقیقی ندارد، نه کسی آن را نگاه و نه کسی آن را به دقت تحلیل می‌کند. بنابراین فرصت نقد کارشناسی و اقتصادی از این برنامه از بخش خصوصی و سایر صاحب‌نظران اقتصادی گرفته شد. بنابراین در این قصه به‌رغم اینکه شخصاً به عنوان کسی که روی موضوع همکاری‌های مشترک ایران و چین کار کرده و نظر دارم، اما مجبور شدم از این پیشنهادهای دفاع کنم. البته با انتشار این سند با این عبارات مخالف هستم و اکنون چون بحث سیاسی شده است، فرصت نقد کارشناسان از آن سلب شده است.





در تهران و به سفارت ایران در پکن نامه زده و خواستار تعیین تکلیف در این زمینه از سوی چینی‌ها شده است؛ اما باید به جرات بگویم که در سطح تلفن‌ها و مذاکرات آقای ظریف این بحث‌ها پیگیری می‌شود و حتماً هم مطمئن هستیم که ظرف هفته‌های آتی حل می‌شود و اطلاعات آماری که به ما داده شده است، این را تایید می‌کند اما نباید در شرایط تنگناهای بین‌المللی، بهانه دست‌شکری خود دهیم، به‌خصوص آن دسته از شرکایی که در وضعیت کنونی تحریم‌ها، ریسک کار کردن با ایران را پذیرفته‌اند و در حال همکاری هستند. متأسفانه نه‌فقط این مورد بلکه موارد دیگری نیز پیش می‌آید که روابط ما را دچار خدشه می‌کند؛ آن هم درست در شرایطی که آمریکا همه دنیا را علیه چین در حال بسیج کردن دارد و نه‌تنها خودش اختلالاتی در کار تجاری با چین ایجاد کرده است، بلکه اروپایی‌ها را نیز تهییج کرده تا علیه تجارت با چین اقدام کرده و خلل وارد کنند. به هر حال ما نباید بهانه دست‌دشمنان خود بدهیم؛ در حالی که تا دلتان بخواهد بهانه دست چینی‌ها می‌دهیم؛ یکی هم همین موضوع برنامه جامع همکاری‌های تجاری ۲۵ ساله ایران و چین است که از سوی جناح‌های سیاسی مورد نقد قرار می‌گیرد.

به هر حال در شرایط حساس کنونی، گروه‌های سیاسی داخل ایران بر روی این سند ۲۵ ساله مباحثی را مطرح می‌کنند؛ در حالی که تا زمانی که چین این سند را به صورت کامل امضا نکرده بود، نباید این سند منتشر می‌شد.

در تمام دنیا نیز همین است؛ دولت نیز پیش‌نویس خود را در دولت تصویب می‌کند و بعد از آن در اخبار آن را اعلام می‌کند؛ حالا باید منتشر شود که در اختیار همه قرار گیرد. اما متأسفانه یک سایت اقدام به این کار کرده است و این جای بحث بسیاری دارد.

اکنون با گذشت زمان کشتی‌های ایرانی دچار مشکل شده‌اند. امروز وارد هفته پنجم می‌شویم که کشتی‌های ایرانی اجازه پهلوگیری ندارند. دلیل قانونی و محکمه‌پسند چینی‌ها این است و حتماً می‌توانند دلایل دیگری داشته باشند، اما ما خودمان به چین بهانه قانونی می‌دهیم. یعنی اگر ایران ضوابط سوخت را مطابق با کنوانسیون‌های بین‌المللی رعایت کرده بود، اکنون می‌توانست طلبکار باشد که چرا چین به کشتی‌های ایرانی اجازه پهلوگیری نمی‌دهد و می‌توانست اختلال در روابط تجاری خود را پیگیری کند؛ اما اکنون این فضا را در اختیار نداریم. ما یک بهانه قانونی به اپراتورهای بندری در چین داده‌ایم که در چندین کشور دنیا نیز اپراتوری بندری می‌کند و اگر چین تخلف کند، در سایر بنادر دنیا نیز کارش دچار مشکل می‌شود. پس ما باید به جای این حرف‌ها کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران را مورد سوال قرار دهیم که چرا ضوابط کنوانسیون‌های بین‌المللی را در حوزه سوخت رعایت نکرده؛ به‌خصوص اینکه چین کتباً به این ناوگان هشدار داده بود که اگر ضوابط را لحاظ نکند، اجازه پهلوگیری نخواهد داشت.

با این تفاسیر من با اطلاع کامل خدمت شما عرض می‌کنم که اتناق ایران و چین به دلیل تجاری که بارشان در بنادر چین است یا بار صادراتی در این کشور دارند و اجازه تخلیه ندارند، به وزارت خارجه و سفارت چین

و اگر چینی‌هایی که با ایران کار می‌کنند هم سهامدار شرکت دیگری باشند، آنگاه آن شرکت بعدی هم در فهرست تحریم‌ها قرار می‌گیرد. بنابراین تحریم‌ها در رابطه ایران با بنگاه‌های تجاری چین اثرگذار است. در عین حال، اینکه دولت چین در سطح رئیس‌جمهور، وزیر خارجه، وزیر بازرگانی و سخنگوی اصلی دولت چین اعلام می‌کنند که تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا را قبول نداریم، این موضوع یک دولت است و ربطی به یک شرکت و یک بنگاه ندارد؛ چراکه بنگاه به منافع خود نگاه می‌کند و حتماً محدودیت‌های تحریمی در رابطه ایران با آن اثرگذار است.

آیا می‌توان با توجه به مشکلاتی که بر سر راه پهلوگیری کشتی‌های ایرانی قرار گرفته، این برداشت را داشت که چین ایران را وجه‌المصالحه خود برای مذاکره با آمریکا و حل و فصل تنش‌های موجود تجاری خود با این کشور کرده است؟

طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی که چین عضو آن است، مقرر شده است که کشتی‌هایی که سوخت گوگردار مخل محیط‌زیست مصرف می‌کنند حق پهلوگیری در چین را ندارند و البته باید توجه داشت که چین چهار ماه از سال ۲۰۲۰ را هم به کشتی‌های ایرانی زمان داده است که خود را با این ضوابط کنوانسیون تطبیق دهند؛ اما ایران نخواست این ضوابط را رعایت کند و